



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع تحقیق :

مدیریت سپاه توسط امام حسن علیه السلام

زینب اشتری فرد

خطبه امام حسن علیه السلام پس از خاکسپاری پدر

■ بعد از شهادت امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام :

❖ **از دیدگاه شیعه) : مطابق وصیت حضرت علی علیه السلام امام بعد از ایشان امام حسن علیه السلام به امامت رسیدند (نهج البلاغه نامه ۴۷ و مقاتل الطالبین ص ۵۱) و در مسجد کوفه خطبه خواندند :**

در شبی که گذشت، مردی از جهان رخت بربست که در میان گروندگان به دین اسلام هیچ فردی بر او پیشی نگرفت. در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جنگید و پرچم جنگ همواره بر دوشش بود، در حالی که جبرئیل از سمت راستش و میکائیل* از سمت چپ همراهی اش می نمودند. از میدان نبرد روی بر نمی گرداند تا خداوند فتح و پیروزی را نصیبش می کرد... منم فرزند بشیر و نذیر؛ همان کسی که شما را به خدا دعوت می کرد و چراغ راه هدایت بود. من از اهل بیتی هستم که خداوند هرگونه آلودگی و پلیدی را از آنان دور گردانیده است. من اهل خانهای هستم که محل فرود و عروج جبرائیل بوده است. از خاندانی هستم که خداوند دوستی آنان را بر همه واجب فرموده است.

مردم با سخنان امام گریستند .

بیعت با امام حسن علیه السلام

بیعت کنندگان با امام حسن علیه السلام :

عبیدالله بن عباس (به نقل از ارشاد و انساب الاشراف) با امام بیعت نمود و مردم را به بیعت با ایشان فرا خواند :
« ای مردم ! این فرزند پیامبر شما و وصی امامتان می باشد باو بیعت کنید.» به نقل از مقاتل الطالبین مردم هم گفتند:
« چقدر حسن بن علی نزد ما محبوب و سزاوار است .»

قیس بن سعد به نقل از انساب الاشراف ضمن توصیف جایگاه امام مردم را به بیعت تشویق نمود و مردم بیعت کردند .

در برخی منابع آمده است هنگام بیعت، شروطی مطرح شد؛ از جمله در انساب الاشراف و در الامامه و السیاسة، آمده است حسن بن علی به مردم گفت: آیا بیعت می کنید که فرمانم را اطاعت کنید و با هر کس جنگیدم بجنگید و با هر کس صلح کردم، صلح کنید؟ آنها با شنیدن این سخن به تردید افتادند و نزد حسین بن علی علیه السلام رفتند تا با او بیعت کنند، ولی او گفت: به خدا پناه می برم که تا حسن زنده است با شما بیعت کنم. آنان بازگشتند و با حسن بن علی بیعت کردند.

طبری گفته است قیس بن سعد هنگام بیعت با او شرط کرد که بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر عمل کند و با کسانی که خون مسلمانان را حلال می شمروند، بجنگد؛ ولی امام حسن علیه السلام ، تنها کتاب خدا و سنت پیامبر را پذیرفت و هر شرط دیگری را برگرفته از همین دو شرط دانست. عده ای از این گونه گزارش ها چنین نتیجه گرفته اند که امام حسن فردی صلح طلب و جنگ گریز بوده و سیره و منش او با پدر و برادرش تفاوت داشته است. **غافل از اینکه ایشان به حکم امامت بر همه امور در حد اعلی آن واقفند.**

بیعت با امام حسن علیه السلام

➤ رسول جعفریان معتقد است که این شرطها، به این معنا نبود که حسن بن علی از آغاز قصد جنگ نداشته، بلکه هدف اصلی وی، حفظ حوزه اقتدار خود به عنوان پیشوای جامعه برای آزاد بودن در تصمیم‌گیری بوده است و حتی اقدامات بعدی او نشان می‌دهد که بر جنگ اصرار داشته است. به گفته ابوالفرج اصفهانی یکی از نخستین اقدامات حسن بن علی علیه السلام پس از خلافت، افزایش صد در صدی دستمزد سربازان بود.

بنظر می‌رسد عقل سلیم با گفتار آقای جعفریان همراهی می‌کند.

خلافت امام حسن علیه السلام از سوی مردم کوفه، یمن، فارس، بصره و حجاز مورد پذیرش قرار گرفت. و اعتراض نبود ولی در شام اوضاع فرق می‌کرد.

سرزمین شام

مردم شام دین خود را از بنی امیه اخذ کرده بودند و اغلب اطلاع دقیقی از دین نداشتند برای همین گوش به اوامر معاویه بودند وعده قلیلی هم که از سیاست های معاویه باخبر بودند از افشای حقیقت هراس داشتند.

معاویه بلافاصله بعد از بیعت مردم با امام حسن علیه السلام در جمع شامیان به بی کفایتی امام در خلافت پرداخت و خود را خلیفه حق اعلام کرد و مردم نیز با او بیعت کردند (ابن قتیبه)



عدم بیعت معاویه با امام

ابن قتیبه در الامامه والسیاسه وطبری در تاریخ الرسل والملوک آورده اند :
... مردم به علت نظرهای مختلف درباره ی سیاستی که اطاعت از آن واجب بود با امام حسن محتاطانه بیعت کردند و او را امیرالمومنین نامیدند اگر چه مسئله خلافت او پیشتر و در روز حکمیت اعلام شده بود .

باید گفت که مردم به سنت نبوی و علوی اقبال نشان دادند و بالاتفاق خواهان باطل بودن حکمیت بودند.

در مقاتل الطالبین و انساب الاشراف آمده :

معاویه درحالی که ۵۰ روز از حکومت امام حسن علیه السلام نگذشته بود به توطئه علیه ایشان پرداخت و جاسوسانی را برای اغتشاش فرستاد تا از گسترش اقتدار امام جلوگیری کند . امام حسن با قدرت ، هدف معاویه را دانست و دونفر جاسوس او را دستگیر و گردن زد .

اعلان جنگ

- در انساب و مقاتل الطالبین آمده :
 - امام حسن طی نامه ای به معاویه می گوید که او شایستگی و فضیلت در اسلام ندارد بلکه پسر دشمن ترین قریش به رسول خداست .
 - معاویه در پاسخ به امام گستاخانه می نویسد تو شایستگی نداری من بیشتر حکومت کرده ام تجربه ام بیشتر و سیاستمدارتر و من ترم ... پس در اطاعتم وارد شو و پس از من خلافت برای تو
- پس از این نامه نگاری ها هر دو طرف آماده برای جنگ می شوند.

تجهیز برای جنگ

► در مقاتل الطالبین والفتوح آمده : معاویه از کارگزارانش می خواهد که نیرو های خود را جمع کنند. و ضحاک بن قیس فهری را به نیابت خود بر شام گذاشت و با ۶۰ هزار نفر به سوی عراق حرکت کرد . سپاه معاویه علنی از مسیرهای اصلی به سوی کوفه حرکت می کند.

و این پیام را به همراه دارد که هیچ ترس و واهمه ای از کسی ندارد و حکومت حق اوست و برای گرفتن این حق را هی کوفه است و واکنش مردم در برابر این پیام ترس و سکوت است .

امام حسن علیه السلام پس از پاسخ نامه معاویه و حرکت او به سمت عراق حبر بن عدی کندی را برای جمع آوری نیرو نزد کارگزاران خود فرستاد گفته شده امام برای جلوگیری از ورود معاویه به عراق دو لشکر چهار هزار نفری پی در پی برای مقابله با وی به شهر انبار فرستاد اما معاویه با وعده پول و حکومت آنان را فریفت و همراه خود ساخت . (اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب)

دعوت به جهاد

► درمقاتل الطالبین آمده : امام حسن علیه السلام در مسجد کوفه مردم را دعوت به جهاد نمود و دستور داد در پایگاه نظامی نخیله اجتماع کنند . اما کسی جواب نداد .

عدی بن حاتم ، قیس بن سعد عبادہ ، معقل بن قیس ریاحی و زیاد بن صعصعه تمیمی مردم را بخاطر سکوتشان طی سخنانی سرزنش می کنند . و به امام پاسخ می دهند اطاعت می کنیم و به لشکرگاه می رویم .

شاید بتوان گفت دلیل این سکوت معنادار آن تبلیغاتی بود که معاویه از هیمنه سپاه خود در دل های مردم انداخته بود و باعث تضعیف روحیه و تشکیک آنان شده بود .

امام مغیره بن نوفل بن حارث بن عب المطلب را جانشین خود در کوفه قرار داد تا مردم را به لشکرگاه برانگیزد و خود نیز به نخیله رفت .

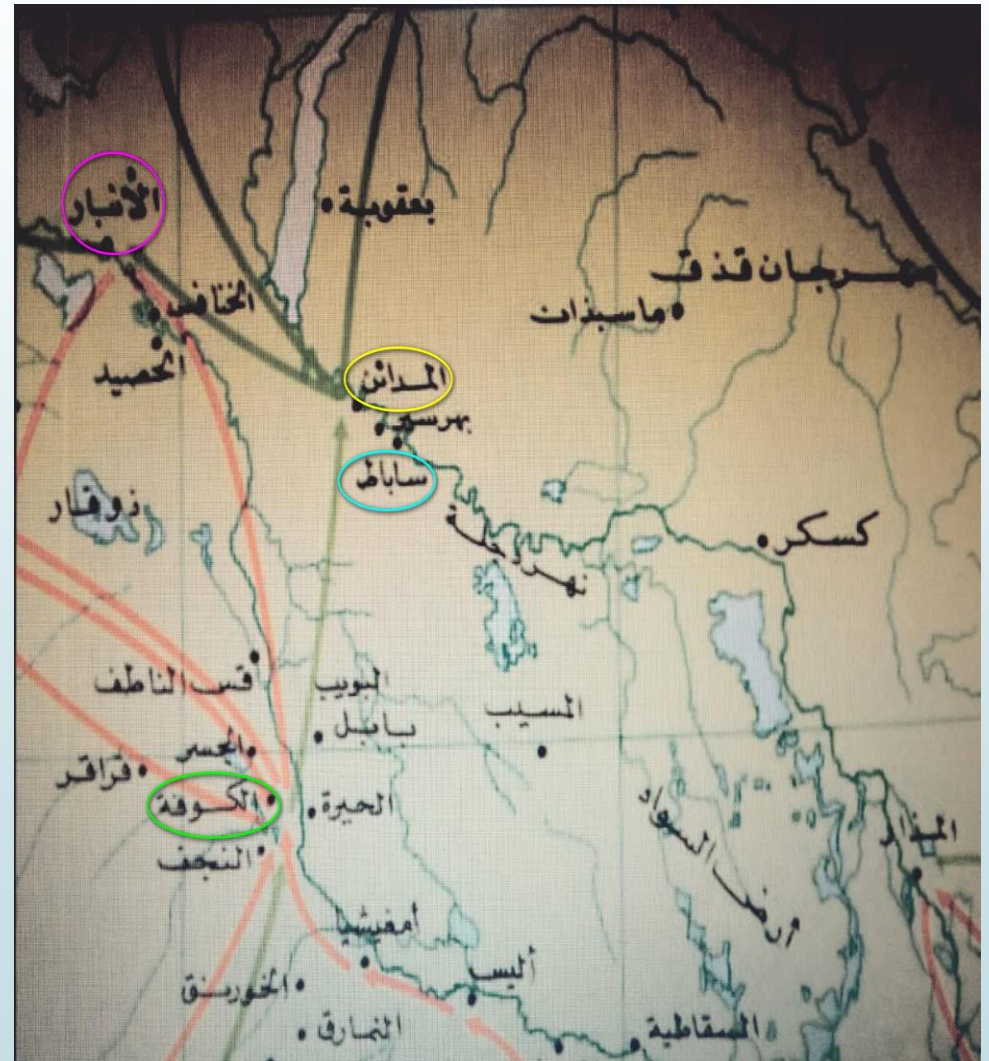
شیخ راضی آل یاسین می گوید بعد از نقد و بررسی های گوناگون بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر بر آورد کرده و این گزارش با واقعیت تطابق دارد .

حرکت امام

➔ امام از نخیله به سمت شام حرکت کرد و در دیر عبدالرحمن اردوزد وبمدت سه روز توقف کرد تا دیگر نیروها بدانجا برسند.

از همین جا امام حسن علیه اسلام فرماندهی کل نیروهای سپاه را به عبیدالله بن عباس داد و قیس بن سعد بن عباد را معاون اول و سعید بن قیس همدانی را معاون دوم وی قرار داد تا با آنان در تصمیمات مشورت نماید. و سپاه بسوی مسکن رهسپار گردید. گفته شده عبیدالله بی درنگ خود را به اخنویه برای مقابله با معاویه رساند.

از طرفی امام حسن علیه السلام به سوی مدائن حرکت کرد تا راه عبدالله بن عامر گمارده معاویه را سد کند زیرا مدائن که حلقه اتصال ایران و عراق بود و تنها نقطه اتصال راه بصره و کوفه، به دست عبدالله بن عامر می افتاد موقعیت استراتژیک جغرافیایی مهمی را در مرحله نخست جنگ از دست می رفت .



ساباط و ترور امام

امام حسن علیه السلام پس از گذر از منازلی در کنار پل مظلّم ساباط اردو زد .

وقتی امام سپاه را برای رویارویی با سپاه عبدالله بن عامر حرکت داد به نظر می رسید از مکر و نیرنگ معاویه در صفین بهره برداری می کند و امام را از ریخته شدن خون مسلمانان بر حذر می دارد و چهره ناصح منصف به خود می گیرد باید دانست سپاه امام بشدت تحت تاثیر تبلیغات سو معاویه قرار داشت و منتظر جرقه ای بود تا از هم پاشد . گفته شده جاسوسان معاویه در میان سپاه امام فریاد می زدند قیس بن سعد کشته شده فرار کنید در همین حال عده ای هم چادر امام ریختند و آن را غارت کردند و به ایشان حمله بردند که شیعیانی از قبیله همدان و ربیعہ مهاجمان را پراکنده کردند . (طبری ، مقاتل الطالبین ، انساب الاشراف)

با استناد به منابع بسیاری ترور امام حسن علیه السلام در مسیر ساباط به مدائن فردی از خوارج خشک مقدس بنام جراح بن سنان اسدی که خنجر خود را به سم آلوده نموده بود دهانه اسب امام را گرفت و گفت : الله اکبر ! ای حسن مشرک شدی آنگونه که پدرت پیش از این مشرک شد و با خنجر به ران امام زد که به استخوان رسید و از اسب به زیر افتاد .

گاه افرادی با سلايق خشکی مابی بجای اطاعت از امام وفرمانده خود طوری رفتار می کنند که امام را بنده و تحت امر خود می شمارند و خود را عقل کل ، این عقیده خوارج بود.

امام مجروح شدند و جهت مداوا به خانه سعد بن مسعود ثقفی (عموی مختار ثقفی) برده شدند. امام با بهبودی نسبی با سپاه بسوی ابن عامر حرکت کرد سپاه امام با سخنان ابن عامر از خود ضعف نشان داد و امام به مدائن بازگشت و عامر تا نزدیکی مدائن پیشروی کرد .

عبیدالله و خیانت

- وقتی عبیدالله به همراه سپاهش از کنار فرات حرکت کرد و از فلوجه وارد مسکن شد. و معاویه از پل منبج گذشت و وارد حیوضیه شد.
 - در اولین مواجهه، معاویه حمله کرد و هردو سپاه بدون کشته و تعدادی مجروح از هم جدا شدند طبق گزارش ها سپاه عراق هیچ گونه ضعفی از خود نشان نداد.
 - معاویه تلاش کرد از روش تطمیع فرماندهان کار خود را برای فروپاشی سپاه ابن عباس جلو ببرد. برای این منظور ابتدا نامه ای را سراغ قیس بن سعد فرستاد و با پیشنهاد یک میلیون درهم تلاش کرد نظر او را جلب کند ولی قیس در پاسخ نوشت: معاویه تو دشمن خدا و رسولش هستی و از احزاب شیطان، و دست رد به او زد.
 - معاویه در تلاش شد تا با نیرنگ کار خود را پیش برد این بار نامه ای به عبیدالله بن عباس فرستاد و پیشنهاد یک میلیون را به او داد و اینکه امام حسن خواهان صلح است. برخلاف انتظار و ناباورانه او پیشنهاد را می پذیرد.
- ولی چرا؟

عبداللہ بن عباس

- عبداللہ فرزند عباس عموی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و مادرش لبابہ دختر حارث بن حزن ہلالی بود.
 - وی زمان پیامبر را درک کرده بود و از صحابہ بہ شمار می رفت .
 - در زمان حکومت حضرت علی سہ بار امیرالحاج بود و والی آن حضرت در یمن
 - معاویہ بسر بن ارطاہ عامری را با سی ہزار سرباز بہ حجاز و یمن برای تضعیف موقعیت حکومت حضرت علی فرستاد . بسر بہ یمن رسید در حالی کہ دو فرزند عبداللہ را یافت و سر از بدنشان جدا کرد گفتہ اند کہ او بہ کوفہ گریخت و فرزندانہ را جا گذاشت اما در منابع شیعی آمده ہنگام حملہ بسر عبداللہ در مکہ بودہ
 - از حکومت امام حسن حمایت کرد
 - اما در سخت ترین و سرنوشت ساز ترین شرایط تاریخی شیعیہ بہ امام خود پشت کرد و بدون اطلاع دادن بہ امام حسن علیہ السلام جہہ حق را خالی گذاشت و فریفتہ باطل شد کاش در زمان تصمیم بہ یاد دو فرزند سربریدہ اش و خون ہای بہ ناحق ریختہ شیعیہ توسط معاویہ را بخاطر می آورد. او با اینکار اسارت و خون شیعیہ را بہ معاویہ بخشید .
- (انساب الاشراف ، ابن کثیر ، مقاتل الطالبین ، طبری)

عوامل تحمیل صلح

- ابن جوزی می گوید : معاویه پنهانی چندین بار از امام حسن علیه السلام در خواست صلح کرده بود اما امام آن را نپذیرفته بود
- نمایندگان معاویه در مداین با امام گفتگو کرده و از خیانت فرماندهان و اشراف برای تحویل امام به معاویه به همراه نامه هایشان پرده برمی دارد.
- پس از خارج شدن نمایندگان معاویه از نزد امام ، بگونه ای که دیگران بشنوند در گفتگو با یکدیگر می گویند هیچ کس بهتر از پسر پیامبر به فکر حفظ خون مسلمین و صلاح آنان نیست .
- امام از حسن علیه السلام ضمن خطبه ای در میان مردم آنان را بین صلح و جنگ مخیر می کند و فریاد البقیه البقیه نشان از خواستار صلح می دهد.
- خوارج که می بینند امام برنظر مردم است به چادر ایشان حمله می برند و سجاده از زیر پایش می کشند و جامعه و ردایش را غارت می کنند و ایشان را به کفر متهم می کنند .
- خیانت اشراف ، ابن عباس ، رفتار خوارج ، پاسخ مردم باعث شد صلح بر امام تحمیل گردد.
- کدام سرداری در دنیا بدون پشتوانه به جنگ می رود که امام برود و امام قبل از تسلیم به معاویه حساب شده زهر صلح را پذیرفت.